

تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۱۱	تاریخ	۱۴۰۴/۰۷/۱۶
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	حدود حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	مبحث دوم: اخبار از وثاقت				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

چکیده درس

بحث حجیت خبر مع الواسطه با تقسیم بندی اخبار وارد شده در این حوزه به پایان رسید. بیان شد روایات در این خصوص به سه دسته تقسیم می شوند: گروهی که مختص خبر بلا واسطه هستند؛ گروهی که خصوصاً در مورد خبر مع الواسطه وارد شده اند؛ و گروه سوم که به واسطه اطلاق خود شامل خبر مع الواسطه نیز می شوند. در نهایت، اثبات شد که ادله حجیت، شامل خبر مع الواسطه نیز می شوند.

پس از این، بحث به ذیول دیگر حجیت خبر واحد منتقل می شود که شامل اخبار از وثاقت و اخبار از موضوعات است. برای عمل به خبر ثقه، علاوه بر دلیل حجیت، نیاز به اثبات وثاقت مخبر داریم که غالباً از طریق اخبار واحد محقق می شود. در بحث اخبار از وثاقت، دو اشکال مطرح است. اشکال اول این است که اخبار از وثاقت، اخبار از موضوع است، در حالی که ادله حجیت خبر برای اخبار از حکم وارد شده اند. این اشکال در بحث آینده (اخبار عن الموضوعات) پاسخ داده خواهد شد. اشکال دوم، شبیه به اشکال در اخبار مع الواسطه است؛ یعنی جعل واحد حجیت نمی تواند در آن واحد هم وثاقت مخبر (موضوع حکم) و هم حکم شرعی (مفاد خبر) را اثبات کند. پاسخ این اشکال، بر مبنای تعدد مجعول داده می شود. دلیل حجیت خبر، علی نحو الانحلال، هر خبر را حجت می کند. بر این اساس، جعل حجیت برای اخبار عن الحكم یک مجعول است و جعل حجیت برای اخبار عن الوثاقة، مجعول دیگری است. همچنین پاسخ دیگری نیز که بیان شد، این است که سیره عقلائی بر حجیت اخبار مع الواسطه، به صورت تعدد مجعول جاری است و این سیره، در الفاظ شرعی، ظهور ایجاد می کند که آنها نیز به صورت تعدد مجعول هستند؛ لذا این امر اشکال اتحاد جعل واحد برای حکم و موضوع را مرتفع می سازد.

مرور درس پیشین

بحث ما در مقام اثبات حجیت خبر مع الواسطه نیز به پایان رسید. در این رابطه، گفتیم چند طایفه از اخبار وارد در حجیت خبر، در خصوص شمول خبر مع الواسطه وجود دارد:

دسته اول، روایاتی است که چون در خصوص خبر بلاواسطه وارد شده اند، شامل خبر مع الواسطه نمی شوند. این روایات خارج از استدلال خواهند شد. طایفه دوم، روایاتی بود که در خصوص خبر مع الواسطه وارد شده بودند. گفتیم که می توان به اینها استدلال کرد بر اینکه دلیل حجیت، شامل اخبار مع الواسطه نیز می شود.

دسته سوم، آن دسته از روایاتی است که به اطلاق خود شامل خبر مع الواسطه هم می شوند. از قبیل روایت احمد بن اسحاق که هم از امام عسکری علیه السلام و هم از امام هادی علیه السلام وارد شده است. روایت امام هادی نسبت به خصوص عثمان بن سعید عمری وارد شده است. روایت امام عسکری نیز در رابطه با عثمان بن سعید عمری و هم محمد بن عثمان بن سعید عمری وارد شده است.

خلاصه استدلال به اطلاق این روایت، این است که عبارت «فَمَا أَذْيَا إِلَيْكَ عَنِّي فَعَنِّي يُؤَدِّيَانِ»^۱ که در روایات آمده است، ظهورش این است که اطلاق دارد؛ یعنی «مَا أَذْيَا إِلَيْكَ عَنِّي سَوَاءً بِالْوَاسِطَةِ أَوْ بِالْوَاسِطَةِ».

همچنین، توقیع اسحاق بن یعقوب که در آن آمده است: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ»^۲؛ که معنایش این است که «حجتی علیکم، سواءً أخبروا بخبر بلاواسطه أو أخبروا بخبر مع الواسطه».

با توجه به اینکه این توقیع به هر حال، توقیعی است که در زمان غیبت صغری وارد شده است، معمولاً اخبار در این دوره از زمان، اخبار مع الواسطه بوده است. از این روست که شمول آن نسبت به اخبار مع الواسطه، شمول اطمینانی یا قطعی است. این از بحث اول ما بود. گفتیم بعد از بحث حجیت خبر، ما سه مبحث داریم که از ذیل بحث حجیت خبر واحد هستند: مبحث اول همین بحث خبر مع الواسطه بود که آیا ادله حجیت خبر، بر فرض اثبات حجیت خبر، می توانند حجیت خبر مع الواسطه را هم اثبات کنند یا نه؟ که در نتیجه بحث مفصلی که در مقام ثبوت و مقام اثبات بیان کردیم، روشن شد و نتیجتاً به اینجا رسیدیم که ادله حجیت خبر شامل خبر مع الواسطه هم می شوند. مبحث دوم، اخبار از وثاقت است که بحث دوم را امروز مطرح می کنیم و می گوئیم اشکالش چیست. بحث سوم، اخبار از موضوعات است. این سه بحث است که از ذیل بحث حجیت خبر واحد قابل طرح در اینجا است.

مبحث دوم: اخبار از وثاقت

در اخبار از وثاقت، دو اشکال وجود دارد.

تاکنون گفتیم ادله حجیت خبر، حجیت خبر ثقه را اثبات می کنند. پس ما برای حجیت خبر به دو چیز نیاز داریم: یکی دلیل حجیت، یکی اثبات وثاقت مخبر. تاکنون همه این ادله هایی که بیان کردیم و بحث کردیم، همه اش در رابطه با ادله

۱. وسائل الشیعة؛ ابواب صفات القاضي، باب ۱۱، ح ۴.

۲. همان، ح ۹.

حجیت خبر بود. برای اینکه ما بتوانیم به خبر عمل کنیم، تنها به دلیل حجیت نیاز نداریم؛ بلکه علاوه بر دلیل حجیت، به دلیل اثبات وثاقت هم نیاز داریم.

ما از کجا می‌توانیم وثاقت یک مخبر را اثبات کنیم؟ گاهی وثاقت با شیاع است یا قطع است؛ اما غالب موارد اثبات وثاقت اینها نیست؛ بلکه غالب موارد اثبات وثاقت، اخبار از وثاقت است؛ آن هم اخبار واحد است؛ مثلاً نجاشی می‌گوید، شیخ می‌گوید، کشی در رجال می‌گوید، هرچه در وثاقت اصحاب و رجال روایات وارد شده، همه اخبار واحد است. آیا ما می‌توانیم به خبر واحد تمسک کنیم برای اثبات وثاقت مخبر؟

اینجا دو اشکال اصلی وجود دارد که باید از عهده حل این دو اشکال بریاییم تا بتوانیم به اخبار از وثاقت هم تمسک کنیم و تکیه کنیم. آن وقت می‌توانیم به خبر واحد عمل کنیم.

خلاصه اینکه در عمل به خبر واحد، به دو چیز نیاز است: هم حجیت خبر، هم اثبات وثاقت مخبر؛ چون ادله حجیت خبر، حجیت خبر ثقه را اثبات می‌کنند، با تقریباتی که در محل خود بیان کردیم. باید علاوه بر اثبات حجیت خبر، وثاقت مخبر را هم اثبات کنیم. وثاقت مخبر هم معمولاً و اکثراً با اخبار واحد ثابت می‌شود.

اشکال اول: اخبار از موضوع بودن اخبار از وثاقت

اشکال اولی که پیش می‌آید، این است که اخبار از وثاقت، اخبار از موضوع است، نه اخبار از حکم. کسی که می‌گوید: «فلان شخص ثقه است»، از حکم شرعی که خبر نمی‌دهد؛ بلکه از موضوع حکم شرعی خبر می‌دهد؛ از وثاقت مخبر خبر می‌دهد. تاکنون این همه ادله‌هایی که ما به آنها برای اثبات حجیت خبر تمسک کردیم، ادله‌هایی است که در حجیت اخبار از حکم وارد شده است. اینکه به محمد بن مسلم رجوع کن، به یونس بن عبدالرحمن رجوع کن، به ابان بن تغلب رجوع کن؛ یعنی در حکم شرعی رجوع کن.

این همه اخباری که ما تاکنون به آنها تمسک کردیم و با آنها حجیت خبر ثقه را اثبات کردیم، حجیت خبر ثقه از احکام شرعی را اثبات می‌کردند. اگر ثقه خبر از موضوع بدهد چطور؟ آیا این اخبار شامل اخبار از موضوع می‌شود یا نه؟ اخبار از وثاقت، اخبار از موضوع است.

این اشکال را ما در بحث آینده که درباره اخبار از موضوعات بحث می‌کنیم، پاسخ خواهیم داد و بررسی خواهیم کرد که آیا ادله حجیت خبر شامل اخبار از موضوعات می‌شود یا نمی‌شود. در آنجا اگر اثبات کردیم که شامل اخبار از موضوعات می‌شود، مشکل اول حل می‌شود؛ یعنی مشکل شمول دلیل حجیت نسبت به اخبار عن از موضوع.

اشکال دوم: ایجاد حکم و موضوع با جعل واحد

مشکل دیگری در اخبار از وثاقت وجود دارد، همان مشکل اخبار مع‌الواسطه است. این مشکل، از آنجا ناشی می‌شود که اگر بخواهیم با دلیل حجیت خبر، حجیت اخبار از وثاقت را اثبات کنیم، در این حالت، دلیل حجیت با همان جعل واحد، هم حکم را اثبات می‌کند و هم موضوعش را. همان اشکالی که در اخبار مع‌الواسطه پیش آمد مبنی بر اینکه جعل واحد نمی‌تواند در آن واحد، هم حکم را اثبات کند و هم موضوع را، در اینجا نیز پیش می‌آید.

وثاقت خبر، موضوع دلیل حجیت خبر است؛ زیرا دلیل حجیت که می‌گوید: «خبر ثقة حجت است»، می‌خواهد خبر از حکم را حجت کند. اگر همین دلیل بخواهد وثاقت را نیز درست کند، یعنی هم وثاقت را اثبات کند و هم حکمی را که خبر ثقة بیان کرده است، اشکال وارد می‌شود.

دلیل جعل حجیت می‌خواهد در آن واحد بگوید خبری را که مثلاً محمد بن مسلم از حکم امام صادق علیه السلام نقل می‌کند، حجیت است؛ یعنی دلیل حجیت می‌خواهد حکم را اثبات کند و بگوید این خبر درست است. در عین حال، دلیل حجیت می‌خواهد با حجت کردن خبر آن مخبری که وثاقت محمد بن مسلم را خبر داده است، وثاقت محمد بن مسلم را نیز درست کند.

پس در آن واحد، ما دو کار انجام می‌دهیم: هم حکم را حجت می‌کنیم - که خبر محمد بن مسلم است - و هم موضوع را درست می‌کنیم - که اخبار مخبر از وثاقت محمد بن مسلم است - یعنی دلیل جعل حجیت، هم می‌خواهد وثاقت محمد بن مسلم را درست کند و هم حکمی را که او نقل می‌کند، اثبات کند. در واقع، در آن واحد، هم می‌خواهد حکم را درست کند و هم موضوع را؛ زیرا موضوع دلیل حجیت، خبر ثقة است که دو جزء دارد: خبر وثقه بودن مخبر.

در اشکال اخبار مع‌الواسطه، گفتیم موضوعی که دلیل حجیت می‌خواهد درست کند، هم خبر را می‌خواهد اثبات کند و هم حکمش را؛ در اینجا نیز، همان اشکال متوجه جزء دوم این موضوع است که همان وثاقت مخبر باشد. همان اشکال است، منتها در اینجا متوجه وثاقت مخبر می‌شود.

اگر بخواهد دلیل حجیت، شامل اثبات وثاقت یا اخبار از وثاقت بشود، دو کار را انجام می‌دهد: هم خبر علی بن ابراهیم را حجت می‌کند (در اخبار از حکم) و هم آن را در اثبات وثاقت آن مخبر حجت می‌کند. عین همان اشکال، در اینجا نیز وارد می‌شود. منتها آنجا اتحاد حکم و موضوع به لحاظ جزء اول موضوع (یعنی خبر) بود و اینجا اتحاد حکم و موضوع به لحاظ جزء دوم خبر که همان وثاقت مخبر باشد، خواهد بود. این، اشکال دوم اخبار از وثاقت است.

به عنوان مثال در جایی که علی بن ابراهیم از ابراهیم بن هاشم نقل می‌کند، ابراهیم بن هاشم از ابن ابی عمیر نقل می‌کند، ابن ابی عمیر از امام نقل می‌کند، دلیل حجیت باید دو کار انجام دهد، هم حجیت خبر را اثبات کند، هم اثبات کند که ابراهیم بن هاشم خبری داشته است. به عبارت دیگر: با حجت کردن خبر علی بن ابراهیم، دو چیز درست می‌شود: هم حجیت خبر علی بن ابراهیم، درست می‌شود؛ هم ثابت می‌شود که ابراهیم بن هاشم خبری داشته است؛ یعنی آن جزء اول موضوع درست می‌شود.

پاسخ به اشکال دوم

۱. تعدد مجعول و انحلال حجیت

جواب این اشکال همان جوابی است که ما از اخبار مع‌الواسطه ارائه کردیم. یکی از مهم‌ترین پاسخ‌ها این بود که دلیل حجیت خبر، خبر را علی نحو الانحلال حجت می‌کند؛ نه اینکه با یک جعل واحد، هم اخبار از حکم و هم اخبار از وثاقت مخبر را حجت کند. هنگامی که دلیل حجیت می‌گوید: «هر خبر واحدی حجت است»؛ یعنی این خبر حجت است، آن خبر هم حجت است. اخبار از حکم با یک حجیت، حجت است و اخبار از وثاقت مخبر با حجیت دیگری حجت است،

نه با همان حجیت. یعنی نمی توان گفت یک جعل حجیت داریم که هم حکم را درست می کند و هم موضوع را؛ بلکه در واقع، موضوع حکم با یک جعل حجیت و خود حکم با یک جعل حجیت دیگر درست می شود.

۲. سیره عقلائیه بر تعدد مجعول، باعث ظهور در دلیل لفظی (پاسخ مختار)

یک پاسخ دیگر هم که خود ما بیان کردیم و آن پاسخ انحلالی را اسد و اخضر دانستیم، این است که سیره عقلائیه بر حجیت اخبار مع الواسطه قائم است و این سیره عقلائیه، سیره بر مجعول است؛ نه بر جعل. این گونه سیره های عقلائیه، در دلیل لفظی وارد در آن مورد تأثیر می گذارند. در نتیجه، دلیل لفظی تحت تأثیر سیره عقلائیه، ظهور در همان معنایی پیدا می کند که سیره عقلائیه اقتضا می کند.

اگر شارع بخواهد معنایی را برخلاف سیره عقلائیه اراده کند، باید تذکر دهد و قرینه اقامه کند. وقتی بیان نمی کند، ظهور کلام او در همان معنایی منعقد می شود که سیره عقلائیه بر آن قائم است. چون سیره عقلائیه بر تعدد مجعول قائم است، بنابراین، ظهور کلام شارع در جعل حجیت، ظهور در جعل حجیت های متعدد «علی نحو تعدد المجعول» خواهد بود. هنگامی که مجعول متعدد شود، اشکال مرتفع است؛ یعنی برای هر خبری، حجیت مستقلی وجود دارد. همین پاسخ، در این بحث نیز جاری است، جعل حجیت برای وثاقت مخبر، یک جعل است و جعل حجیت برای حکمی که مخبر نقل می کند، یک جعل دیگر؛ در نتیجه، با جعل واحد، حجیت برای حکم و موضوع با هم ثابت نشده است تا این اشکال پیش بیاید.

مبحث سوم: اخبار از موضوعات

اخبار از وثاقت، نوعی اخبار از موضوع است. گفتیم اشکال اول که بر اخبار از وثاقت وارد می شود، این است که این اخبار، اخبار از موضوعات است و ادله حجیت خبر در احکام وارد شده اند و اطلاقی که شامل موضوعات بشود، در آنها وجود ندارد. در نتیجه، با خبر ثقه نمی توان وثاقت مخبر را اثبات کرد؛ زیرا دلیلی بر حجیت این خبر وجود ندارد. اگر نتوان وثاقت مخبر را درست کرد، همه ادله حجیت خبر ثقه ای که تاکنون به آنها استناد کردیم، فاقد اثر عملی شده و بی نتیجه خواهد شد.

جهت اصولی بودن بحث

پس ما باید درباره اثبات حجیت خبر در موضوعات و اینکه آیا دلیل حجیت خبر، اخبار از موضوع را هم شامل می شود یا نمی شود، بحث کنیم. به این لحاظ، این بحث اصولی می شود؛ زیرا برای اثبات حجیت خبر ثقه به آن احتیاج داریم. ممکن است کسی بگوید: اخبار از موضوعات، بحث فقهی است؛ مثلاً اینکه خبر واحد بیاید از نجاست یا کزیت یک آب یا سایر موضوعاتی که در ابواب مختلف به آنها نیاز داریم خبر دهد. گفته می شود این بحث فقهی است؛ زیرا اثبات موضوع حکم فقهی مربوط به خود فقه است که برای اینکه بخواهیم حکم فقهی را اثبات کنیم، باید ببینیم موضوع آن چگونه اثبات می شود. همچنین بعضی از احکام فقهیه، مانند احکام وضعیه جزئیۀ خارجیۀ، از قبیل موضوعات هستند؛ مثل اثبات «ملکیۀ الدار لزید» یا «نجاسته هذا الماء». در این موارد، شبهه، شبهۀ موضوعیه است نه شبهۀ حکمیه. شبهۀ حکمیه مثلاً این است که اصل در آب طهارت است یا خیر یا اگر در نجاست کلب شک کردیم، در اگر نجاست کافر شک کردیم که کلب و

کافر نجس است یا نه؟ اینها احکام کلیه است و اگر شبهه‌ای در این موارد حاصل شد، شبهه، شبهه حکمیه است و احکام شبهه حکمیه بر آن جاری می‌شود؛ مثلاً اگر فقیهی مانند آقای خویی رحمته الله علیه در شبهه حکمیه، قائل به جعل استصحاب نیست، در اینگونه شبهات، نمی‌تواند استصحاب جاری کند. این شبهه حکمیه است. گاهی همان احکام وضعیه مثل زوجیت و ملکیت، شک در احکام کلی نیست تا شبهه حکمیه شود؛ بلکه شک در موضوع خارجی آن حکم کلی است.

این نکته را باید توجه داشت که استعمال کلمه موضوع، در اصول و فقه چند معنی دارد؛ باید دقت شود که با هم خلط نشوند. یک وقت ما می‌گوییم موضوع، مقصود ما از موضوع، موضوع در جمله حملیه است. جمله حملیه موضوع دارد و محمول؛ یعنی موضوع در مقابل محمول در جمله حملیه است؛ مثلاً می‌گوییم در جمله «زید قائم»، «زید» موضوع است و «قائم» محمول؛ یا مثلاً در تکالیف گاهی می‌گوییم که موضوع تکلیف کیست؟ می‌گوییم موضوع تکلیف مکلف است. این موضوعی که می‌گوییم یعنی حکم روی موضوع رفته است: «یجب علی زید»، «یجب علی المكلف أن یصلی».

اما یک وقت دیگر، مقصود از موضوع، آن چیزی است که از آن به «subject» تعبیر می‌شود که مقابل «object» قرار دارد که به معنای امر خارجی است. این موضوع، در مقابل حکم قرار می‌گیرد که حکم، یک امر اعتباری و ذهنی است. در بحث ما، وقتی از موضوع سخن می‌گوییم، قصد از موضوع در اینجا، همان موضوع خارجی است. سؤال این است که آیا برای اثبات این موضوع خارجی، می‌توانیم به ادله حجیت تمسک کنیم یا نمی‌توانیم؟

شک در مذکی بودن یا میته بودن یک گوشت خارجی، یک شبهه موضوعیه است؛ یعنی ما نمی‌دانیم آیا این گوشت خارجی، مذکی است یا میته؛ یا مثلاً شک در طهارت یا نجاست یک آب خارجی، یک شبهه موضوعیه است؛ یعنی ما نمی‌دانیم آیا این آب طاهر است یا نجس؛ اما اگر شک در حکم کلی نجاست داشته باشیم؛ مثلاً شک کنیم در حکم کلی نجاست کافر، یا حکم کلی نجاست کلب، یا حکم کلی نجاست ارنب، اینها دیگر شبهه حکمیه هستند.

لذا این بحث اخبار از موضوعات، با اینکه حیث فقهی دارد، از این جهت با مباحث اصولی ارتباط دارد؛ زیرا باید ببینیم آیا دلیل حجیت خبر، می‌تواند موضوع را نیز اثبات کند یا خیر؟

اگر دلیل حجیت نتواند وثاقت مخبر را اثبات کند، دلیل حجیت خبر واحد برای ما در اصول بی‌خاصیت و بی‌اثر خواهد شد؛ چراکه هر چقدر هم زحمت بکشیم و اثبات کنیم که دلیل حجیت، حجیت خبر ثقه را اثبات می‌کند، اما در صورت عدم حجیت اخبار از وثاقت مخبر، نمی‌توانیم با آن حکم را اثبات کنیم. به عبارت دیگر اگر خبر واحد در اخبار از وثاقت مخبر حجت نباشد، این حجیت خبری که دلیل حکم شرعی می‌خواهد بشود، برای ما بی‌ثمر می‌شود. از این ناحیه است که ما مطلب حجیت اخبار از موضوعات را بحث می‌کنیم. بنابراین، به لحاظ ارتباطش با مباحث اصولی، یا بگویید به لحاظ ارتباطش با اثبات دلیل بر حکم شرعی، به این بحث می‌پردازیم. البته اینجا ارتباطش، ارتباط اثبات ثمره عملیه، برای بحث اصولی است؛ یعنی بحث اصولی حجیت خبر، اگر بخواهد ثمره عملیه داشته باشد، باید حجیت خبر در موضوع را نیز بحث کنیم و اثبات نماییم؛ لذا اخبار از موضوعات، اینجا بحث می‌شود.

[در پاسخ به پرسش یکی از شاگردان:] بله، اگر خود شما رفتی از امام سؤال کردی، احتیاج به اثبات وثاقت مخبر نیست؛ اما وقتی مخبر مثلاً محمد بن مسلم برای شما نقل می‌کند، یک واسطه است. خبر خود او بلاواسطه است؛ اما برای من و شما که خبر می‌دهد خبر مع‌الواسطه می‌شود. اینجا این مشکل پیش می‌آید که اگر ما بخواهیم وثاقت محمد بن مسلم را اثبات

کنیم - یعنی همان راوی مباشر را -، با اخبار ثقه اثبات می‌کنیم. اخبار ثقه، اخبار واحد است. اگر این حجت نباشد، اخبار محمد بن مسلم از حضرت صادق علیه السلام هم برای ما نمی‌تواند حجت باشد.

[در پاسخ به پرسش یکی از شاگردان:] گفتیم طرق اثبات وثاقت یک وقت علم است، یعنی همان احراز وجدانی، یک وقت شیعاع است؛ اما در بسیاری از موارد، اثبات وثاقت به طریق خبر واحد است، نه از طریق شیعاع و از طریق علم حسی و مباشرت. اینجا است که مشکل درست می‌شود.

بنابراین بحث اخبار از موضوعات، خودش بحثی است که هم جهت فقهی دارد و هم جهت اصولی؛ لذا فقها حتی شهید صدر نیز این بحث را در اصول مطرح نکرده‌اند؛ بلکه در فقه بحث کرده‌اند. منتها ما اینجا به مناسبت بحث حجیت دیدیم که مناسب است ما اینجا به این بحث پردازیم؛ یعنی برای تکمیل بحث حجیت خبر. دوستان در این بحث به کتب بزرگان هم مراجعه کنند؛ مثلاً صاحب مستمسک در مباحث طهاره، بحث می‌کند؛ مرحوم آقای خویی هم بحث کرده است.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرين